

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

سوم دسمبر ۲۰۱۱

ایران در هفته ای که گذشت

نزاع جمهوری اسلامی و دولت انگلیس

حمله به سفارت انگلیس و پیامدهای آن در این هفته، مهمترین رویداد سیاسی در ایران بود. روز سه‌شنبه گروهی از بسیجیان در حالی که شعار می‌دادند: "علمدار ولایت، بسیجیان فدایت"، "مرگ بر انگلیس"، "حزب فقط حزب‌الله، سید علی روح‌الله"، "حسین، حسین شعار ماست، شهادت افتخار ماست" تحت حمایت پولیس جمهوری اسلامی به درون سفارت ریختند، با شکستن درب و پنجره وارد اتاق‌ها شدند، مدارک موجود را با خود بردند و با تخریب وسایل و به آتش کشیدن اتومبیل‌های داخل سفارت، محل را ترک کردند. در این حمله که شمار آن‌ها ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر برآورد شده است، تعدادی از افراد بسیج دانشجویی، عوامل وزارت اطلاعات و عناصری از سپاه پاسداران حضور داشتند.

در حمله به مجموعه مسکونی کارمندان سفارت انگلیس در باغ قلهک نیز گروه دیگری از بسیجیان آنجا را اشغال کردند. ایرنا خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی در گزارش خود نوشت:

"۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر دانشجوی بسیجی از دانشگاه‌های امیرکبیر، صنعتی و تهران در باغ قلهک" در حال سر دادن شعار هستند. رسائی، یکی از سران فراکسیون‌های مجلس ارتجاع اسلامی که در جریان این حمله در جمع بسیجیان حضور داشت، با سخنرانی خود از اقدام حمله به سفارت انگلیس حمایت کرد و آن را ستود. لاریجانی رئیس مجلس، اقدام بسیجیان را نشانه خشم تاریخی ملت ایران نامید و رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی آن را "تجلی احساسات پاک درونی دانشجویان دانست".

در واقعیت اما بر کسی پوشیده نیست که اقدام بسیجیان در حمله به سفارت انگلیس، برآمده از نزاع دو دولت است که نه ربطی به توده‌های مردم ایران دارد و نه دانشجویان ایران.

بسیج یک گروه مزدور جمهوری اسلامی است که علیه توده‌های مردم ایران سازماندهی شده است و تمام اقداماتی که انجام می‌دهد، با دستور مستقیم مقامات سیاسی و نظامی رژیم است و در خدمت منافع آن‌ها.

اقدام بسیجیان در مورد حمله به سفارت انگلیس نیز نتیجه تشدید اختلافات و تضادهای جمهوری اسلامی با دولت انگلیس و برخی دیگر از قدرت‌های جهانی است که تصمیم آن را سران جمهوری اسلامی گرفته‌اند و به شکلی سازمان یافته نیز عمل کردند. امروزه در ایران تمام اقداماتی که می‌تواند بر سیاست داخلی و خارجی رژیم تأثیر بگذارد، تصمیم آن در شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی گرفته می‌شود و به اجراء درمی‌آید. حمله به سفارت انگلیس نیز که پیشاپیش روشن بود بر مناسبات بین‌المللی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی تأثیر خواهد گذاشت، قطعاً توسط شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی طراحی و تصویب شده است و بسیجیان هم عامل اجرائی آن بودند. بنابراین جمهوری اسلامی بیهوده می‌کوشد که پای مردم ایران و دانشجویان را به ماجرائی که نه حضوری در آن داشتند و نه نقشی، به میان بکشد. دعوی دو دولت ارتجاعی سرمایه‌داری هیچ ربطی به منافع توده‌های کارگر و زحمتکش ایران و انگلیس نداشته و ندارد. این هر دو دولت صرفاً به خاطر منافع خود به درگیری و نزاع با یکدیگر برخاسته‌اند.

این نزاع به ویژه پس از آن تشدید شد که در پی تصویب یک‌رشته قطعنامه‌ها در سازمان‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی، دولت انگلیس برای تشدید فشار سیاسی و اقتصادی بر رژیم، بانک مرکزی را تحریم کرد. واکنش جمهوری اسلامی، تصویب کاهش سطح مناسبات دیپلماتیک و اقتصادی در مجلس و حمله به سفارت انگلیس بود.

حمله به سفارت انگلیس واکنش‌های شدیدی را در عرصه بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی برانگیخت. شورای امنیت سازمان ملل بالاتفاق، این حمله را محکوم کرد. حتا دولت‌های روسیه و چین که جانبدار جمهوری اسلامی در منازعات کنونی‌اند، خود را ناگزیر دیدند که سوای شورای امنیت، جداگانه نیز حمله به سفارتخانه انگلیس را محکوم کنند. دولت نروژ سفارتخانه خود را فعلاً تعطیل اعلام کرد. دولت انگلیس پس از آن که هیأت دیپلماتیک خود را همان روز از ایران خارج کرد، به هیأت دیپلماتیک جمهوری اسلامی دستور داد که ظرف ۴۸ ساعت خاک انگلیس را ترک کنند. دولت‌های المان، فرانسه، هلند نیز سفرای خود را به عنوان اعتراض به اقدام جمهوری اسلامی از ایران فراخواندند. این واکنش‌ها همچنان ادامه دارد و قرار است وزرای خارجه اتحادیه اروپا در اجلاس خود، تصمیمات شدیدتری به ویژه در مورد تحریم‌های اقتصادی اتخاذ کنند.

با توجه به این واقعیت که مناسبات بین‌المللی جمهوری اسلامی به ویژه پس از محکومیت‌های پی در پی در سازمان‌های بین‌المللی در یک ماه گذشته، در وخیم‌ترین شرایط قرار گرفته است، این سؤال مطرح می‌شود که بر اساس کدام محاسبات سیاسی جمهوری اسلامی، دست به چنین اقدامی زد؟ معمولاً وقتی که دولت‌ها با بحران‌هایی در سیاست خارجی و مناسبات بین‌المللی درگیر هستند، قاعداً تلاش می‌کنند تاکتیک‌هایی را اتخاذ کنند که به بهبود وضعیت و موقعیت آن‌ها بینجامد و نه این که بالعکس موقعیت آن‌ها را وخیم‌تر کند و بر افراد بین‌المللی آن‌ها بیفزاید.

به سر حمله به سفارت انگلیس آنچه که جمهوری اسلامی انجام داد، بالعکس تاکتیکی بود که موقعیت بین‌المللی رژیم را وخیم‌تر ساخت و بر افراد بین‌المللی آن افزود. گرچه نتایج این اقدام جمهوری اسلامی پیشاپیش نیز روشن بود، اما آگاهانه انجام گرفت. دلیل آن هم این است که جمهوری اسلامی در سیاست داخلی و خارجی خود نه فقط با بحران، بلکه با بن‌بست‌های غیر قابل عبور روبروست و این واقعیت را باید برای خود حل کرده باشد که رفتنی‌ست. اما نمی‌خواهد و نمی‌تواند صاف و ساده کنار برود. بنابراین می‌کوشد بحران‌های خارجی را تشدید کند، تا بحران‌های داخلی را تحت‌الشعاع قرار دهد. در جهت پیشبرد این تاکتیک راهی ندارد جز این که به یک‌رشته

ماجر اجوئی‌های سیاسی متوسل شود. در این‌جا دیگر مهم نیست که این ماجراجوئی چقدر به نفع مناسبات بین‌المللی‌اش عمل می‌کند یا بالعکس به زیان اوست. چون آنچه که در این میان حائز اهمیت است، کشاندن درگیری و بحران به عرصه بین‌المللی از طریق تشدید تضادها در این عرصه است. بنابراین تعجب‌آور نخواهد بود که تاکتیک حمله به سفارت انگلیس، درست در شرایطی به مرحله اجراء درآید که رژیم در نامناسب‌ترین شرایط بین‌المللی قرار گرفته است. جمهوری اسلامی نیاز به تشدید تضادها در عرصه سیاست خارجی و مناسبات با دولت‌های دیگر دارد. مهم نیست که با امریکا، انگلیس، فرانسه باشد یا دولت‌های عربی منطقه. جمهوری اسلامی حتا با کابینه اسلام‌گرای ترکیه که تا دیروز از حامیانش بود، می‌تواند وارد یک درگیری شود. در همین هفته ترکیه را هم به حمله نظامی تهدید کرد و سران حکومت این کشور را دست پرورده‌های صهیونیسم و نوکران اسرائیل نامید.

فرمانده هوافضای سپاه پاسداران در این هفته به ترکیه هشدار داد که اگر جمهوری اسلامی مورد تهدید قرار گیرد، پایگاه‌های موشکی ناتو را در خاک ترکیه مورد حمله قرار خواهد داد. جانشین فرمانده پولیس جمهوری اسلامی نیز گفت: "صهیونیست‌ها اردوغان را خودشان آموزش دادند" "همین اردوغان که او را مسلمان دوآتشه و دشمن سرسخت صهیونیست معرفی کردند، طبق سفارش خودشان مردم مصر را به دین لائیک دعوت می‌کند." اگر حمله به سفارت انگلیس نوعی ماجراجوئی جمهوری اسلامی است، مورد ترکیه نیز نوع دیگری از همین ماجراجوئی‌هاست. بر این اقدامات نام دیگری جز ماجراجوئی‌های جمهوری اسلامی نمی‌توان نهاد که هدفی جز تلاش برای انتقال تضادها و بحران‌های متعددی که با آن‌ها روبروست به خارج از مرزها دنبال نمی‌کنند. اما عواقب این سیاست خواه در شکل فشارهای اقتصادی باشد و یا در مرحله درگیری نظامی، به داخل ایران باز می‌گردد و فشار آن را توده‌های مردم ایران باید تحمل کنند. جمهوری اسلامی که در بن‌بستی لاینحل قرار گرفته است، راهی برای نجات خود ندارد، اما از آن‌جائی که دشمن سوگند خورده مردم ایران است، می‌کوشد به همراه نابودی خود، خسارات بزرگ جانی و مالی به مردم ایران تحمیل کند. شعارهای جنگ‌طلبانه سران سیاسی و نظامی رژیم در این روزها، این قصد شوم آن‌ها را به خوبی برملا می‌کند. توده‌های مردم ایران باید پیش از آن که فاجعه رخ دهد، جلوی رویداد آن را بگیرند.

بن‌بست‌های جمهوری اسلامی و افزایش اعدام‌ها در ایران

وقتی که صحبت از بحران‌ها و بن‌بست‌های لاینحل جمهوری اسلامی شود، می‌توان آن را در تمام عرصه‌ها و اقدامات رژیم نشان داد. سال به سال بر تعداد کسانیه که در ایران اعدام می‌شوند افزوده شده است. به رغم اعتراضات سازمان‌های طرفدار حقوق بشر و محکومیت جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی، در سال جاری نیز صدها تن از مردم ایران اعدام شده‌اند. گسترده‌گی اعدام‌ها در ایران به حدیست که جمهوری اسلامی تنها اسامی تعدادی از آن‌ها را در رسانه‌های خبری خود اعلام می‌کند، بر طبق برخی گزارش‌ها تعداد اعدام‌های مخفیانه حتا می‌تواند بیش از رقمی باشد که علناً خبر آن‌ها انتشار می‌یابد.

در هفته‌ای که گذشت جمهوری اسلامی خبر اعدام ۹ نفر دیگر را اعلام نمود. صبح روز سه‌شنبه ۸ تن از زندانیان زندان کرمانشاه به دار آویخته شدند. دو نفر از آن‌ها در ملاء عام در میدان آزادی به اتهام آدم‌ربائی و تجاوز به عنف و ۶ تن دیگر در زندان دیزل‌آباد به اتهام قاچاق مواد مخدر به دار کشیده شدند. در همین روز در ساوه نیز یک نفر

به اتهام زناى به عنف در ملاً عام اعدام شد. دادستان عمومى ساوه در گفت و گو با خبرنگاران گفت: دو نفر ديگر هم كه همدست وى بوده‌اند، به اعدام محكوم شده‌اند كه هنوز آمادهٔ اجراء نيست.

در همين هفته، خبر ديگرى انتشار يافت، مبنى بر اين كه دادگاه تجديد نظر شعبه ۳۶ تهران، حكم دادگاه بدوى در مورد قطع دست فردى به نام ياشار را به اتهام سرقت از يك قنادى تائيد نموده است و براى اجراء حكم به واحد اجراء احكام دادسراى امور جنائى تهران فرستاده شده است.

هر كسى در ايران مى‌داند كه در طول متجاوز از سه دهه اى كه جمهورى اسلامى بر سر كار است، لااقل صدها هزار نفر با همين اتهامات دستگير و به حبس محكوم شده‌اند و هزاران تن مخفى و علنى اعدام شده‌اند. با اين همه نه از حجم جريم كاسته شده و نه دستگيرى و اعدام. بالعكس بر تعداد زندانيان سال به سال افزوده شد، به نحوى كه هم اكنون آمار زندانيان از صدهزار تجاوز كرده است. افزايش روز افزون تعداد اعدامى‌ها در ايران نيز گويابى اين واقعيت است كه اعدام‌هاى پيشين نه تنها منجر به کاهش جرائم نشده، بلكه افزايش يافته است. با اين همه جمهورى اسلامى و دستگاه پوليسى و قضائى جيره‌خوارش، پس از گذشت ۳۰ سال از اين مجازات‌هاى وحشيانه هنوز ادعا مى‌كنند كه اين مجازات‌ها مى‌تواند درس عبرتى براى ديگران و کاهش جرائم باشد.

اما در واقعيت اين ساختار اقتصادى - اجتماعى معين جامعه است كه سرمنشاء اين جرائم مى‌باشد. جرم در جاني رخ مى‌دهد كه معضلات اجتماعى حل نشده وجود دارد. مجرم اصلى و واقعى نيز همين ساختار اقتصادى - اجتماعى و طبقهٔ حاكم جامعه است. در ايران بيشترين تعداد زندانيان و اعدام‌شدگان را كسانى تشكيل مى‌دهند كه جرم آن‌ها قاچاق مواد مخدر اعلام مى‌شود. اما براى اين كه در جامعه‌اى قاچاقچى مواد مخدر پيدا شود و تعداد آن‌ها مدام افزايش يابد، مقدم بر آن بايد گروهى از مردم اين كشور به سوي مواد مخدر و اعتياد به آن‌ها روى آورده باشند. اين ديگر بر كسى پوشيده نيست كه در دوران استقرار جمهورى اسلامى ميليون‌ها تن از مردم ايران به مواد مخدر معتاد شده‌اند. اين واقعيت هم پنهان نمانده كه اكثر اين معتادان را جوانان تشكيل مى‌دهند.

اما چرا مردم، به ويژه جوانان به مواد مخدر روى آورده‌اند؟ به اين علت كه نظم اقتصادى - اجتماعى و سياسى موجود ده‌ها معضل اجتماعى براى آن‌ها پديد آورده است. جوانى كه بيكار است، در فقر به سر مى‌برد، تحقير مى‌شود و چشم‌انداز و آينده‌اى ندارد، براى تسكين دردهاى خود به مواد مخدر روى مى‌آورد. جوانى كه نظم اجتماعى و سياسى موجود، صدها مانع اجتماعى بر سر راه او قرار داده است و از امكانات تفريحي، فرهنگى، ورزشى و غيره، تحت عنوان مغايرت با قوانين مذهبي محروم مانده است، به مواد مخدر روى مى‌آورد. پس روشن است كه اگر در ايران ميليون‌ها معتاد وجود دارد و مدام بر تعداد آن‌ها افزوده شده است، علت و مسيبت آن نظم اقتصادى - اجتماعى سرمايه‌دارى و رژيم فوق ارتجاعى جمهورى اسلامى است.

وقتي كه نظم اقتصادى و اجتماعى و سياسى موجود در ايران، در ابعاد ميليونى، معتاد به مواد مخدر توليد كند، به اين معناست كه بازار پررونقى براى خريد و فروش مواد مخدر و قاچاقچى مواد مخدر ايجاد كرده است. اما توليد و يا واردات مواد مخدر نياز به سرمايهٔ كلان و سازماندهى شبكهٔ وسيعى براى پخش و توزيع دارد. اين كار فقط از عهدهٔ سرمايه‌داران و ثروتمندانى ساخته است كه در عين حال نفوذ قابل ملاحظه‌اى در درون دستگاه دولتى و ارگان‌هاى پوليسى و قضائى رژيم دارند. بنابر اين از يك طرف نظم اقتصادى - اجتماعى و سياسى موجود، مردم را به سوي اعتياد به مواد مخدر سوق مى‌دهد و از سوي ديگر، طبقهٔ حاكم و دستگاه دولتى آن از طريق بازار ايجاد شده براى خريد مواد مخدر، سودهاى كلانى به جيب مى‌زنند. در اين ميان، باندهائى كه بازار خريد و فروش مواد مخدر را در اختيار گرفته‌اند، گروهى از همين مردم معتاد، فقير و فلاكت‌زده را با پرداخت مبلغى ناچيز به عنوان

توزیع‌کننده به خدمت می‌گیرند. آن‌گاه جمهوری اسلامی همین افراد را دستگیر و برای نمایش مبارزه با مواد مخدر تحت عنوان قاچاقچی به اعدام محکوم می‌کند. نتیجتاً نه فقط کوچک‌ترین تغییری در معضل اعتیاد در جامعه ایران پدید نمی‌آید، بلکه بالعکس افزایش می‌یابد و سال به سال بر تعداد به اصطلاح قاچاقچیان مواد مخدر که اعدام می‌شوند، افزوده می‌گردد. معضل، اما اجتماعی‌ست و به جای خود باقی‌ست.

جمهوری اسلامی به ویژه در طول چندین سال اخیر تعداد زیادی از مردم را تحت عنوان تجاوز به عنف اعدام کرده است. در این مورد نیز نه فقط درس عبرتی برای کسی نبوده، بلکه افزایش هم یافته است. دستگاه قضائی جمهوری اسلامی خود آشکارا اعتراف می‌کند که این اقدام عموماً از سوی جوانان بیکار و فقیر صورت گرفته است. موانعی که جمهوری اسلامی در رابطه زن و مرد ایجاد نموده، خود عامل دیگری در بروز و گسترش این جرم است. بنابراین، جامعه موجود است که یک جوان بیکار، فقیر و محرومی را که نیازهای جنسی او برآورده نشده، وامی‌دارد که به اقدامی نظیر تجاوز به عنف روی آورد. در این‌جا نیز مجرم واقعی نظم موجود و جمهوری اسلامی‌ست.

جمهوری اسلامی و نظم سرمایه‌داری حاکم بر ایران توده‌های وسیع مردم را به فقر و گرسنگی محکوم کرده‌اند. اما این مردم گرسنه، فقیر و بیکار بالاخره برای این که زنده بمانند باید به هر طریق ممکن لقمه نانی به دست آورند. گروهی از این مردم فقیر به تن‌فروشی روی آورده‌اند. جمهوری اسلامی آن‌ها را دستگیر و گاه اعدام می‌کند. گروهی به سرقت متوسل می‌شوند که در جریان این مسأله نیز قتل‌ها رخ داده و اعدام‌ها صورت گرفته است، اما معضل هم چنان به جای خود باقی‌ست. جمهوری اسلامی حتا به خاطر به اصطلاح سرقت دست و پای انسان‌ها را قطع کرده است، اما هیچ معضلی را حل نکرده است.

جمهوری اسلامی نمی‌تواند کوچک‌ترین معضلی از بی‌شمار معضلات اجتماعی مردم ایران را حل کند، چرا که نمی‌تواند فقر، بیکاری، گرسنگی، اعتیاد، تن‌فروشی و ده‌ها گرفتاری اجتماعی دیگر مردم را از بین ببرد. جمهوری اسلامی هیچ راه حلی برای بحران‌های اجتماعی جامعه ایران ندارد. در بن‌بست به سر می‌برد. همین که مدام بر تعداد اعدام‌شدگان می‌افزاید، همین که ادعا می‌کند، اعدام می‌تواند درس عبرتی برای دیگران باشد، نشان‌دهنده بحران‌های علاج‌ناپذیر و بن‌بست جمهوری اسلامی‌ست.

جمهوری اسلامی با صدها و هزاران اعدام دیگر و چندین برابر کردن تعداد زندانیان، هرگز قادر نخواهد بود خود را از این بن‌بست نجات دهد. بحران‌های اجتماعی، راه حل اجتماعی دارند. برای حل معضلات اجتماعی جامعه ایران، نظام اقتصادی - اجتماعی ایران باید دگرگون شود. وقتی که فقر، گرسنگی، بیکاری، نابرابری، اختناق و استبداد برافتند، دیگر جایی برای جرم و جنایت وجود نخواهد داشت.